

# International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



## جبران خسارت در اصول تجاری بین المللی و کنوانسیون بیع بین المللی کالا ۱۹۸۰

مرضیه قنبری<sup>۱</sup>، حسین قربانیان<sup>۲</sup>

۱- کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دامغان، ایران.

۲- استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ایران.

Email: marzieh.366gh@gmail.com

### خلاصه

از مباحث مهم حقوق قراردادهای در اکثر سیستم‌های حقوقی، نقض قرارداد و ضمانت‌اجراهای ناشی از آن است. در قراردادهای منعقد شده بین طرفین، به‌ویژه در حوزه تجارت بین الملل همیشه این امکان وجود دارد که یکی از طرفین به دلایلی به‌طور صحیح به تعهدات خود عمل نکند. اینجاست که اهمیت بحث جبران خسارت نمایان می‌گردد، مقاله حاضر با انجام پژوهش و مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی تفصیلی و تحلیلی پیرامون جبران خسارت و ضمانت‌اجراهای موجود در اصول تجاری بین المللی و کنوانسیون بیع بین المللی کالا پرداخته که در توسعه و تسهیل روابط تجاری بین المللی در بین کشورها بسیار کارگشا و مثمر نمر می‌باشد.

**کلمات کلیدی:** جبران خسارت، نقض قرارداد، اصول تجاری بین المللی، کنوانسیون بیع ۱۹۸۰

### ۱. مقدمه

اصل اولیه در اجرای قرارداد آن است که مفاد قرارداد با رعایت همه خصایص مذکور در عقد یا متداول در عرف، دقیقاً اجرا گردد. هرگاه متعهد در اجرای قرارداد، کوتاهی یا از اجرای آن خودداری نموده یا آن را طوری اجرا نماید که از نظر اوصاف قراردادی (مانند کمیت، کیفیت، قیمت و شروط قراردادی و ...) با مفاد قرارداد منطبق نباشد، در این حالت نقض قرارداد رخ داده و در این صورت متعهد دارای مسئولیت مدنی ناشی از عهدشکنی می‌گردد و در اینجاست که جبران خسارت مطرح می‌گردد تا جلوی ورود ضرر را به طرف مقابل بگیرد.

اصول قراردادهای تجاری بین المللی در سال ۱۹۹۴ میلادی توسط موسسه بین المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی انتشار یافت؛ که دولت ایران به موجب لایحه قانونی الحاق دولت ایران به موسسه مذکور مصوب اسفندماه ۱۳۴۳ به این مؤسسه ملحق شده است. این اصول در قالب یک مقدمه و نوزده ماده تدوین شد، به لحاظ اهمیت موضوع و نیاز کشورهای دنیا به انواع قراردادهای تجاری صنعتی بین المللی، رشد سریع انتقال تکنولوژی‌ها و مبادلات اقتصادی دنیا، موجب استقبال غیرقابل پیش‌بینی نسبت به متن آن شد؛ شاید بتوان گفت مفاد اصول قراردادهای تجاری بین المللی نسبت به قراردادهای بین المللی به‌مثابه «شرایط عمومی پیمان» نسبت به قرارداد داخلی به‌شمار می‌رود؛ از آنجا که قواعد و شرایط عمومی برای قراردادهای تجاری بین المللی در این اصول مطرح می‌شود، اصول مزبور زمانی کاربرد خواهد داشت که طرفین توافق کرده باشند قراردادشان بر اساس آن اصول منعقد گردد، هرگاه طرفین توافق نمایند قراردادشان تابع «اصول کلی حقوقی»، «حقوق فراملی بازرگانان» یا مشابه آن‌ها باشد می‌توان این اصول را به کار بست. مبحث دیگری که به آن خواهیم پرداخت کنوانسیون بیع بین المللی کالا است، با گسترش بیش از پیش ابعاد روابط تجاری بین المللی امکان دارد متابعین، اتباع کشورهای مختلف باشند و یا مبیع در کشوری غیر از کشور محل فعالیت یا اقامت مشتری تسلیم گردد. بنابراین تأدیه ثمن و تسلیم مبیع با پیچیدگی‌هایی روبرو است و آثار ویژه‌ای را به دنبال خواهد داشت. کنوانسیون ۱۹۸۰ بیع بین المللی کالا مشتمل بر چهار فصل و ۱۰۱ ماده است و گستره وسیعی از موضوعات حقوق بیع، به ویژه انعقاد یا تشکیل قرارداد بیع، حقوق و تعهدات بایع و مشتری، انتقال ضمانت معاوضی، راه‌های جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد و مواد عدم مسئولیت را مورد بررسی و تحت پوشش قرار داده است. ما در ابتدا با مروری بر نقض قرارداد و اقسام مختلف آن وارد بحث جبران خسارت از منظر اصول تجاری بین المللی و همچنین کنوانسیون بیع بین المللی کالا خواهیم شد و سپس به نتیجه‌گیری می‌پردازیم و در پایان

# International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



پیشنهاد می‌شود که با مطالعه و بررسی اصول تجاری بین‌المللی و مقررات کنوانسیون بیع بین‌المللی ۱۹۸۰ وین در زمینه جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد و در جهت رفع نواقص موجود در قوانین داخلی و وضع قوانین جدید استفاده نمود و در گسترش روابط اقتصادی از آن بهره جست.

## ۲. ماهیت خسارت (نقض قرارداد)

اصل اولیه در اجرای قرارداد آن است که مفاد قرارداد با رعایت همه خصایص مذکور در عقد یا متداول در عرف، دقیقاً اجرا گردد. هرگاه متعهد در اجرای قرارداد، کوتاهی یا از اجرای آن خودداری نموده یا آن را طوری اجرا نماید که از نظر اوصاف قراردادی (مانند کمیت، کیفیت، قیمت و شروط قراردادی و ...) با مفاد قرارداد منطبق نباشد، در این حالت نقض قرارداد رخ داده و در این صورت متعهد دارای مسئولیت مدنی ناشی از عهدشکنی می‌گردد. [۱] و [۲]

## ۳. اقسام نقض قرارداد

برای تحقق مسئولیت قراردادی، متعهد باید از انجام یکی از تعهدات قراردادی خودداری نماید و برحسب این که از کدام یک از تعهدات قراردادی تخلف گردد، به تقسیم عهدشکنی بدین شرح می‌پردازیم:

### ۱-۳. عدم اجرای کامل قرارداد

گاه متعهد از اجرای تمامی تعهدات قراردادی امتناع می‌ورزد. (ماده ۲۲۱ ق.م. که تقریباً مشابه ماده ۱۱۴۲ ق.م. فرانسه است) خودداری متعهد از اجرای کامل قرارداد ممکن است عمدی و مقبلانه بوده و یا این که در اثر سهل‌انگاری و بی‌مبالاتی (تقصیر) و یا حتی اشتباه وی صورت گرفته باشد ولی در هر حال، عدم اجرای قرارداد موجب مسئولیت قراردادی وی خواهد گردید. البته عدم اجرای کامل قرارداد در صورتی موجب مسئولیت قراردادی می‌شود که مدت اجرای قرارداد سپری گردیده و در مورد تعهداتی که برای ابقاء آن‌ها مدتی مقرر نبوده و اختیار موقع انجام تعهد یا طلبکار بوده است (ماده ۲۲۶ ق.م.)، طلبکار انجام تعهد را مطالبه کرده باشد و اجبار بدهکار برای اجرای قرارداد و اجرای مستقیم آن نیز به هیچ وجه امکان‌پذیر نباشد. پس تنها در این صورت است که مسئولیت قراردادی جانشین اجرای قرارداد می‌گردد. [۳]

### ۲-۳. عدم اجرای قسمتی از قرارداد

چنانچه متعهد از اجرای قسمتی از قرارداد امتناع ورزد، به موجب ماده ۲۲۷ ق.م. طلبکار حق دارد از پذیرفتن قسمتی از تعهد خودداری نماید. معذک گفته شده که گاه تجزیه پرداخت از قلمرو اختیار طلبکار بیرون بوده (مانند مواد ۶۰۶ و ۲۷۷ ق.م.) و حتی در برخی از موارد اجرای قسمتی از قرارداد به نفع وی می‌باشد و بدین جهت این اقدام بدهکار را می‌پذیرد. [۴] در این فرض، هرگاه موضوع تعهد قابل تجزیه باشد، مسئولیت متعهد در مورد قسمتی از تعهد که اجرا گردیده، منتفی می‌شود و فقط نسبت به بخش باقیمانده تعهد، مسئولیت وی باقی است. لکن در صورتی که تعهد غیرقابل تجزیه باشد، با اجرای جزئی از آن، مسئولیت وی همچنان باقی بوده و مانند آن است که متعهد هیچ جزئی از قرارداد را اجرا ننموده است و طلبکار در این فرض می‌تواند خسارت عدم انجام تمام تعهد را از او مطالبه نماید. [۳]

### ۳-۳. تأخیر در اجرای قرارداد

در ماده ۳۴۴ ق.م. آمده است: «اگر در عقد بیع شرطی ذکر نشده یا برای تسلیم مبیع یا تأدیه قیمت موعودی معین نگشته باشد، بیع قطعی و ثمن حال محسوب است مگر آن که بر حسب عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجارت در معاملات تجاری، وجود شرطی یا موعودی معهود باشد اگر چه در قرارداد بیع ذکر نشده باشد.» بنابراین در صورتی که موعودی برای انجام تعهدات قراردادی پیش‌بینی نشده باشد، متعهد باید آن تعهدات را بی‌درنگ انجام دهد و تأخیر وی موجب مسئولیت قراردادی می‌گردد. پس عدم قید موعود در قرارداد، در حکم شرط فوری بودن انجام تعهد است. به عبارت دیگر، حال بودن طلب موافق با اصل و مؤجل بودن آن نیازمند دلیل است. ولی چنانچه طرفین در قرارداد، موعودی را برای اجرای تعهد در نظر گرفته یا موعود از عرف و عادت محل یا عرف و عادت تجاری قابل استنباط باشد، متعهد باید در آن مدت تعهد خود را انجام دهد. همانند آن که طبع کار مورد تعهد به گونه‌ای باشد که برای انجام آن مدتی وقت لازم است مانند ساختن سد یا این که بنای طرفین بر اعطای مهلتی متعارف به مدیون باشد مانند وامی که برای اداء دین به مدیون داده می‌شود. [۳]

### ۴-۳. اجرای زودتر از موعود قرارداد

گفتیم که موعود اجرای تعهد گاه به سود دو طرف قرارداد است و گاه به سود یکی از طرفین. اغلب اوقات اجرای زودتر تعهد به نفع طلبکار بوده و نه تنها نقض قرارداد به حساب نیامده، بلکه نشانه‌ی حسن نیت تلقی می‌شود. این فرض به‌ویژه هنگامی صادق است که قید مدت تنها به سود متعهد

# International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



بوده مانند وام بدون بهره و او با گذشتن از قید مدت، تعهد را زودتر از موعد اجرا نماید ولی در هنگامی که موعد تنها به سود طلبکار بوده با این که به سود هر دو طرف باشد، در این جا اجرای زودرس تعهد نقض قرارداد تلقی شده و حتی ممکن است در چنین فرضی اجرای تعهد برای طلبکار فایده و سودی نیز نداشته باشد مانند این که در مثال سفارش غذا برای پذیرایی از میهمانان در جشن خصوصی که در تاریخ معینی باید انجام گردد، متعهد غذای مذکور را مدت‌ها قبل از برگزاری جشن تهیه و تحویل طلبکار دهد.[۳] در قانون مدنی حکم صریح و قاعده کلی در خصوص اجرای پیش از موعد عقد بیان نشده است، ولی از برخی مواد قانون مدنی به طور ضمنی می‌توان مواردی را در این زمینه کشف و استنباط نمود. به موجب قاعده کلی، متعهد وظیفه دارد تعهد خود را در زمان مقرر ایفا کند و نمی‌تواند متعهد را به اجرای پیش از موعد ملزم نمود. بر این اساس ماده ۳۹۴ ق.م.بیان می‌دارد: «مشتري باید سند را در موعد و در محل و بر طبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده است تأدیه نماید».[۵]

۳-۵. اجرای ناقص و معیوب

گاهی متعهد تعهد خود را به طور ناقص یا معیوب اجرا می‌نماید به طوری که ایفای عهد کیفیت مطلوب را ندارد و فایده‌ی مورد نظر را به طلبکار نمی‌رساند. همچنان که پیمانکاری از مصالح نامرغوب برای احداث ساختمان استفاده نماید یا در بیع کالایی بعداً معلوم گردد که کالای تحویل داده شده توسط متعهد مطابق با نمونه نبوده یا فاقد کیفیت و اوصاف مورد توافق باشد. در این صورت مسئولیت قراردادی متعهد مطرح می‌گردد. به موجب بند ۱ ماده ۳۵ کنوانسیون بین‌المللی کالا «بایع باید کالایی را تسلیم نماید که دارای مقدار، کیفیت (جنس) و وصف مقرر در قرارداد باشد.» بنابراین متعهد باید مقدار مورد تأدیه را طبق قرارداد پرداخت نماید و حق تجزیه در پرداخت را ندارد.[۶]

## ۴. جبران خسارت در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی

در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز به مانند قراردادهای داخلی، نقض قرارداد به قصور یک طرف در اجرای هر یک از تعهدات قراردادی از جمله ایفای ناقص یا توأم با تأخیر تعبیر گردیده است[۷]. طیف واکنش‌هایی که علیه متعهد عهدشکن قابل اعمال است، متنوع است و تعداد و جزئیات آنها از هر نظام حقوقی به نظام حقوقی دیگر تغییر می‌کند. اکنون به معرفی انواع متعدد این واکنش‌ها می‌پردازیم.

۴-۱- حق حبس

در موردی که قرار است طرفین قرارداد تعهداتشان را به طور همزمان انجام دهند، هر یک از طرفین می‌تواند تا زمانی که طرف دیگر تعهدش را اجرا نمی‌کند، از اجرای تعهدش خودداری کند. در جایی که قرار است اجرای تعهدات طرف‌های قرارداد به طور متوالی باشد، طرفی که قرار است تعهدش را دیرتر انجام دهد می‌تواند تا زمانی که طرف اول تعهدش را انجام نداده است، از اجرای تعهدش خودداری کند. منوط نمودن ایفای تعهدات یک طرف به انجام تعهد طرف دیگر قرارداد، در خصوص هر یک از طرفین در شرایط همزمانی ایفای تعهدات و نسبت به طرفی که زمان انجام تعهد او متعاقب است در وضعیت توالی را حق حبس می‌گویند[۷]. همچنین حق حبس در کنوانسیون بیع لازم به ملزوم بودن تعهدات اطراف قرارداد بیع و به دیگر سخن وابستگی تسلیم هر یک از مبیع و ثمن حق حبس نام گرفته است. به عبارت دیگر، تحویل کالا و پرداخت ثمن باید به طور همزمان صورت پذیرد حتی اگر کالا تحویل متصدی حمل و نقل شده باشد، مگر اینکه در قرارداد به صورت دیگر شرط شده باشد.[۸]

۴-۲- جبران به وسیله متخلف از ایفای تعهد

متخلف از ایفای تعهد می‌تواند نقض در ایفای تعهد قراردادی را با هزینه خود، مشروط به شرایطی جبران نماید و بدین ترتیب زمان ایفای تعهد را برای مدتی کوتاه فراتر از زمان مندرج در قرارداد تمدید نماید. مگر آنکه بر طبق توافق طرفین یا با توجه به اوضاع و احوال، اجرای به موقع لازم باشد. اقدام جبرانی ممکن است تعمیر و جایگزینی و نیز هر گونه فعالیت دیگری را شامل شود که در نتیجه آن، عدم اجرای تعهد جبران می‌شود و به طرف زیان دیده تمامی چیزهایی که وی بر طبق قرارداد حق داشته است منتظر آنها باشد، داده می‌شود. تعمیر و اصلاح تنها هنگامی اقدام جبرانی است که آثار و نشانه‌های عدم اجرای پیشین را به طور کامل برطرف نماید و ارزش یا کیفیت محصول را تهدید ننماید. تعیین تعداد دفعاتی که طرف مسئول عدم اجرای تعهد می‌تواند در جبران آن کوشا باشد بر عهده دادگاه است. [۷]، [۹]

۴-۳- مهلت اضافی جهت ایفای تعهد

اجرای همراه با تأخیر قابل جبران نمی‌باشد، چرا که آن هنگام، زمان ایفای تعهد به پایان رسیده و بازگشت آن نیز میسر نمی‌باشد. با این وجود چنانچه متعهد بنا به دلایلی نظیر منافع تجاری و ... انجام تعهد توأم با تأخیر را بر عدم ایفای آن به طور کلی ترجیح دهد با اعطای مهلت اضافی به طرف متخلف، فرصت دیگری را برای اجرای تعهد انجام نشده به ارمغان می‌آورد [۷] و [۹]. در کنوانسیون بیع تأخیر در اجرای تعهدات از مصادیق نقض اساسی

# International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



قرارداد محسوب نمی‌گردد، لذا انتظار می‌رود در چنین شرایطی حسب مورد خریدار یا فروشنده با تعیین مدتی اضافی، فرصت دیگری را به منظور انجام تعهدات برای طرف قراردادی خود فراهم آورند. حتی در مواردی که اهمیت تأخیر به اندازه‌ای باشد که بتوان آن را در زمره موارد نقض اساسی قرارداد به حساب آورد، نیز ممکن است متعهدله نظر به مصالح خود تعیین مدت اضافی و اعطای آن را به طرف خود نسبت به استفاده از دیگر طرق جبرانی ترجیح دهد. این قاعده که در بسیاری از نظام‌های حقوقی بی سابقه می‌باشد، از حقوق آلمان اقتباس گردیده است. [۸]

#### ۴-۴- الزام به اجرای تعهد

بنا به اصل کلی الزام آور بودن قراردادها (ماده ۳-۱) هر یک از طرفین نه تنها ایفای تعهد پولی بلکه ایفای تعهدات غیر پولی بر عهده گرفته شده از سوی طرف دیگر را مشروط به شرایطی نظیر امکان مطالبه موضوع، عدم ایجاد مسئولیت سنگین و غیر متعارف، عدم امکان انجام معامله جایگزین، طرح درخواست در زمان معقول و متعارف و ... (از او مطالبه نماید) [۹]. اصل مزبور به ویژه در مورد قراردادهایی غیر از قرارداد فروش اهمیت دارد. برخلاف تعهد به تحویل، تعهدات قراردادی دایر بر انجام یا منع و خودداری از انجام کاری، تنها اختصاص به طرف دیگر قرارداد دارد، در چنین مواردی تنها راه اجرای تعهد طرف متخلف، الزام او به اجرا از طریق مراجع قضایی می‌باشد [۷]. به رغم آنکه مواد ۴۶ و ۶۲ ک.ک. به ترتیب برای خریدار و فروشنده حسب مورد امکان مراجعه به دادگاه و الزام طرف قراردادی خود را به ایفای تعهدات در صورت عدم تمسک به طرق منافی این روش به رسمیت شناخته است، ماده ۲۸ ک.ک. تنها زمانی دادگاه را مکلف به صدور حکم مبنی بر الزام به اجرای عین تعهد می‌شناسد که در قانون متبوع دادگاه، امکان صدور چنین احکامی نسبت به قراردادهای بیع مشابهی که مشمول مقررات کنوانسیون نمی‌باشند، پیش‌بینی گردیده باشد. چرا که وقتی چنین واکنشی در قواعد حقوقی نظامی یا به عبارت دیگر در نظامی حقوقی مورد پذیرش قرار نگرفته باشد، نمی‌توان از چنین نظامی توقع اعمال و اجرای چنین واکنشی را داشت. [۱۰]

#### ۴-۵- ترمیم و جایگزینی

متعهدله به طور کلی می‌تواند متعهد را (مشروط به شرایطی که در مورد قبل بیان گردید)، به تصحیح اقدامات اجرایی معیوب و ناقص، منطبق با مفاد قرارداد الزام نماید. جدای از امکان مطالبه متعهدله و لذا الزام متعهد به منظور برطرف ساختن عیب و نقص یا جایگزین کردن (موارد تمثیلی) شکل‌های دیگری از جبران عیب و نقص نظیر برداشتن حقوق اشخاص ثالث بر کالا یا تحصیل مجوز عمومی ضروری و ... نیز قابل تصور می‌باشد [۷]. تحویل کالاهای جانشین (تعویض کالا) مشروط به تحقق نقض اساسی قرارداد است. (ماده ۴۶(۲) ک.ک.)، لیکن در صورتی که نقض اساسی و جوهری قرارداد صورت نگرفته باشد، خریدار چاره‌ای ندارد جز اینکه متوسل به جبران خسارت از طریق واکنش تقاضای تعمیر شود. (ماده ۴۶(۳) ک.ک.)، بنابراین تمسک به درخواست کالای جانشین در گروهی تحقق: ۱- نقض اساسی و ۲- اخطار مذکور در ماده ۳۹ ک.ک. به باع ظرف مدت متعارفی بعد از کشف عدم مطابقت ظرف حداکثر دو سال می‌باشد. استفاده از واکنش درخواست تعمیر کالا نیز میسر نمی‌گردد مگر با: ۱- رعایت محدودیت زمانی مذکور در ماده ۳۹ ک.ک. همراه با اخطار عدم انطباق کالا ۲- نامعقول بودن درخواست تعمیر کالا، نامعقول نبودن درخواست تعمیر بستگی به ویژگی کالای تحویل شده و تمامی اوضاع و احوال دیگر دارد. هنگامی که بحث از تمامی اوضاع و احوال دیگر می‌شود، منافع هر دو طرف قرارداد (خریدار و فروشنده) مد نظر گرفته می‌شود. [۸] و [۱۰]

#### ۴-۶- جریمه قضایی

تجربه نشان داده است که در برخی نظام‌های حقوقی، تهدید به جریمه‌ای که از طریق قضایی برای انجام ندادن کاری تحویل می‌شود، مؤثرترین وسیله تضمین برای اطاعت و پیروی از احکام مبتنی بر دستور اجرای تعهدات قراردادی است. بر خلاف آنچه بیان گردید، در برخی دیگر از نظام‌ها، عدم وجود چنین ضمانت‌های اجرایی ناشی از مزاحمت و مداخله غیرقابل قبول در آزادی‌های شخصی می‌باشد. اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی با مقرر ساختن جریمه نقدی و عدم پیش‌بینی سایر جریمه‌های ممکن از یک طرف و قابل اعمال دانستن جریمه‌های نقدی بر تمامی انواع احکام و قراردادهای الزام به تعهد، نسبت به سایر نظام‌های حقوقی راه میانه را در پیش گرفته است. همچنین مجموعه مقررات مزبور با به کار گرفتن واژه «می‌تواند» در این خصوص، امکان تحمیل جریمه را به اختیار و صلاح‌دید دادگاه واگذار نموده است. بدیهی است که اجرای این صلاح‌دید به نوع تعهدی که قرار است اجرا شود، بستگی دارد. چنانکه در مورد احکام پولی و احکام مربوط به تعهد به تحویل کالا، جریمه تنها در وضعیت استثنائی تحمیل می‌گردد. چرا که الزام تعهد به پرداخت پول یا تحویل کالا به طور معمول با طرق عادی اجرا امکان پذیر است. بر عکس در مورد تعهدات مربوط به انجام کار یا خودداری از انجام کار، که تحقق آنها به سهولت از ناحیه اشخاص ثالث میسر نمی‌گردد، الزام تعهد از طریق جریمه‌های قضایی، اغلب مناسب‌ترین راه حل به نظر می‌رسد. [۹] و [۷]

# International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



## ۷-۴- تغییر واکنش جبرانی

طرف زیان دیده می‌تواند از طریق جبران به شکل مطالبه اجرای تعهدی غیرپولی، صرف نظر و به جای آن، طریق یا طرق جبرانی دیگری را انتخاب نماید. اختیار در برگزیدن و تمسک به دیگر طرق، با در نظر گرفتن مشکلاتی که به طور معمول در مسیر الزام تعهدات غیرپولی ایجاد می‌گردد، به رسمیت شناخته شده است. به رغم آنکه در موارد عدم توفیق زیان دیده نسبت به اجرای تصمیم قضایی یا رأی داور می‌بایست بر الزام تعهد به ایفای تعهد، در امکان تمسک به دیگر طرق جبرانی تردیدی وجود ندارد، لیکن تغییر روش قبل از اجرای حکم به استناد دلایلی چون حصول اطلاع از عدم توانایی متعهد، تنها در صورتی میسر می‌گردد که منافع متعهد به طرق مناسب و قانونی مورد حمایت قرار گیرد؛ چرا که ممکن است متعهد، خود را برای اجرای تعهد آماده کرده باشد. [۷] و [۹]

## ۸-۴- فسخ قرارداد

طرف زیان دیده تنها در صورتی می‌تواند به قرارداد خاتمه دهد که عدم اجرای تعهد از سوی طرف دیگر نقض «اساسی» و به عبارت دیگر عمده و مهم باشد، نه جزئی و کم اهمیت [۷]. حق فسخ ضمانت اجرایی عام در مقابل عدم انجام تعهد است. به موجب مواد (الف) ۴۹ و (الف) ۶۴ ک.ک. هر گاه نقض عهد فروشنده یا خریدار، «اساسی» باشد، طرف مقابل، حق فسخ خواهد داشت. اگر نقض عهد اساسی نباشد، متعهدله زمانی می‌تواند قرارداد را فسخ نماید که فرصت اضافه و معقولی برای انجام تعهد تعیین و اعلام نماید. هر گاه متعهد در ظرف مهلت تعیین شده به تعهدات خود عمل نکند و یا اعلام نماید که به تعهد خود عمل نخواهد نمود، متعهدله حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. (مواد (ب) ۴۹ و (ب) ۶۴ ک.ک.)، مشابه حقوق کشورمان در کنوانسیون وین مطابق مواد ۷۱ و ۷۳ ک.ک. حق فسخ قرارداد ممکن است نسبت به جزء قرارداد نیز تحقق یابد. [۸] و [۱۱]

## ۹-۴- حق مطالبه خسارت

حق مطالبه خسارت در صورت عدم اجرا، اصلی است که استثنای آن به مواردی محدود می‌گردد که عدم اجرا بر اساس مقررات اصول قراردادهای معذور باشد، نظیر قوه قاهره، معافیت، عسر و حرج و ... که به موجب آنها حقی برای دریافت خسارت ایجاد نمی‌گردد. حق مطالبه خسارت، مانند سایر طرق جبران به صرف تحقق عدم اجرای تعهد حاصل می‌شود و برای طرف زیان دیده همین کفایت می‌نماید که عدم اجرا را به اثبات برساند. یعنی ثابت نماید که آنچه را که تعهد شده، دریافت ننموده است. به ویژه، ضرورتی ندارد که علاوه بر این، ثابت شود عدم اجرای تعهد، ناشی از کوتاهی طرف مسئول عدم اجرا بوده است. حق مطالبه خسارت در صورتی کوتاهی در اجرای هر یک از تعهدات ناشی از قرارداد وجود دارد؛ بنابراین ضرورتی ندارد که میان تعهدات اصلی و فرعی قائل به تمایز گردید. حق دریافت خسارت، تنها اختصاص به زمان عدم اجرای تعهدات قراردادی نداشته و در طول دوره پیش از انعقاد قرارداد نیز استیفای آن میسر می‌باشد. [۷] و [۹]

## ۱۰-۴- غرامت کامل

استحقاق طرف زیان دیده به دریافت غرامت کامل برای صدمه و زیان متحمل شده ناشی از عدم اجرای قرارداد، اصلی است که اعمال آن محتاج به احراز رابطه سببیت میان عدم اجرا، صدمه و زیان وارده است. [۷] در رابطه با صدمه و زیانی که در مورد آن می‌توان خساراتی را دریافت نمود، اصول قراردادهای ماده (۱) ۲-۴-۷ خود با پیروی از کنوانسیون، (ماده ۷۴) طرف زیان دیده را نه تنها در مورد زیانی که متحمل شده، بلکه برای منفعتی که در نتیجه عدم اجرا از آن محروم گردیده نیز، مستحق دریافت غرامت می‌شناسد. بدین ترتیب مفهوم موسع ضرر و زیان وارده مد نظر قرار گرفته است که ممکن است شامل تقلیل دارایی‌های طرف زیان دیده یا افزایش تعهدات و مسئولیت‌های وی، عدم النفع، خسارات مادی و معنوی نیز باشد. آنچه بیان گردید (اصل غرامت کامل) مترادف با افزوده شدن دارایی‌های طرف زیان دیده و قرار گرفتن او در وضعیتی بهتر از زمانی که قرار بود تعهد به انجام می‌رسید، نمی‌باشد. بنابراین اصل جبران کامل خسارات متضمن این معنا است که اعمال واکنش‌های متعدد، نباید متعهدله را در موقعیتی بهتر از آنچه در صورت انجام تعهد به آن می‌رسید، قرار دهد و یک خسارت نباید دوبار جبران شود. چرا که تمامی ضمانت‌اجراهای موجود، هدف واحدی را تعقیب می‌نمایند و آن چیزی، جز قرار گرفتن متعهدله در وضعیتی که اگر به تعهد عمل می‌شد، در آن وضعیت قرار می‌گرفت، نمی‌باشد. [۱۱]

## ۵. جبران خسارت در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا

در کنوانسیون و برخی شرح‌های مفسرین بر آن، تحت عنوان خسارت اموری ذکر گردیده که در واقع نه طریق جبران خسارت، بلکه به معنای عام کلمه، یکی از ضمانت‌اجراهای تعهدات قراردادی و آثار التزام است. به عبارت دیگر، این طرق در عرض طرق واقعی جبران خسارت مطرح می‌شوند. به عنوان

# International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



مثال، در بند الف ماده ۴۵، اموری نظیر الزام به تسلیم بدل کالای غیرمنطقی (بند ۱ ماده ۴۶) و فسخ قرارداد (ماده ۴۹)، از طرق جبران خسارت به شمار آمده اند حال آن که در این موارد صحبت از جبران خسارت به شمار آمده اند حال آن که در این موارد صحبت از جبران خسارت بوجود آمده نیست بلکه بحث بر سر جلوگیری از تضرر بیشتر و یا التزام به انجام مفاد تعهد قراردادی است. در نتیجه در اینجا، به آنچه به معنای واقعی کلمه، روش جبران خسارت است پرداخته می شود.

## ۱-۵. روش های پولی جبران خسارت

مقصود از روش های پولی جبران خسارت، طریقی است که در آن ها معادل پولی خسارت وارد شده محاسبه و زیان زنده محکوم به پرداخت آن به زیان دیده شده یا از دریافت بخشی از مبلغ مورد استحقاق محروم می گردد. این طرق شایع ترین روش های جبران خسارت در مسئولیت مدنی قهری و قراردادی است زیرا: ۱- اجرای آن از طرق دیگر جبران خسارت برای دادگاه و طرفین دعوا آسانتر است. ۲- سریع تر از طرق دیگر صورت می گیرد. ۳- الزام محکوم علیه به آن آسانتر است. ۴- تعیین معادل پولی خسارت آسانتر است. ۵- طرفین دعوا مایلند بدانند که به صورت قطعی و روشن، حقوق و تکالیف آن ها در مقابل یکدیگر چیست و این امر با تعیین معادل پولی خسارت وارد شده بهتر صورت می گیرد. [۱۲]

## ۱-۱-۵. پرداخت معادل پولی خسارت

در کنوانسیون اولویت این روش را می توان از ماده ۷۴ آن استنباط نمود، زیرا در تعریف خسارت ناشی از نقض قرارداد، عبارت «... مبلغی برابر زیان تحمل شده توسط طرف دیگر...» آمده و کلمه «مبلغ» نص معادل پولی است. روح کنوانسیون و اصول کلی مورد ابتدای آن مبنی بر تسریع و تسهیل تجارت بین المللی نیز به این روش اولویت می دهد (ماده ۷). حتی برخی از مفسران بر این عقیده اند که ماده ۷۴ تردیدی باقی نمی گذارد که تنها طریق جبران خسارت، پرداخت معادل پولی آن است. [۱۰]. اما این نظر با توجه به تفسیری بودن مقررات کنوانسیون (ماده ۶) و اصول مورد ابتدای آن (ماده ۷) و اصل جبران کامل خسارت، دقیق نیست و نباید روش جبران خسارت را منحصر به این یکی کرد؛ بلکه طرفین و یا قاضی باید بتوانند در صورت اقتضا، مناسب ترین روش را بر حسب اوضاع و احوال قضیه برگزینند، گرچه غالباً طریق انطباق همان روش پرداخت معادل پولی است اما بعید نیست که در مواردی طرق دیگر کارسازتر باشد. [۱۲]

## ۲-۱-۵. تقلیل ثمن

یکی از طریقی که به عنوان شیوه جبران پولی خسارت در کنوانسیون مطرح شده، تأسیس تقلیل ثمن مندرج در مواد ۴۵ و ۵۰ است. مطابق ماده ۵۰ کنوانسیون، در صورت تسلیم کالای غیر منطبق توسط بایع، مشتری می تواند به نسبت تفاوت ارزش کالای تسلیم شده در روز تسلیم و ارزشی که کالای منطبق با قرارداد در روز تسلیم داشته است، ثمن المسمی را تقلیل دهد. این روش در کشورهای با سیستم حقوق نوشته بر خلاف حقوق کامن لا مورد دفاع بوده است و ریشه آن به حقوق رم بر می گردد. این روش در اغلب کشورهای سوسیالیستی سابق و جهان سوم در مجموعه قوانین به عنوان روش جبران خسارت تکمیلی گنجانده شده است و اعمال آن محدود به مواردی است که بایع مقصر بوده و حق ترمیم و رفع نقص (عدم انطباق کالا) را نیز دارد. این روش، روش جبران خسارت مشهور و عمومی مهمی است که در عرف روزانه تجارت داخلی و بین المللی وجود دارد. اعمال این روش محدودیت زمانی ندارد مشروط بر این که اخطار عدم مطابقت کالا در کمتر از دو سال موضوع ماده ۳۹ کنوانسیون رعایت شده باشد. این طریق را می توان همراه با طرق جبران پولی خسارت اعمال کرد و این صورت، تقلیل ثمن تلاشی جهت جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه است نه جبران خسارت وارده. [۱۰] برخی دیگر گفته اند که این طریق، در وهله اول برای هنگامی پیش بینی شده که بایع تقصیری ندارد و خسارت وارده مستند به فعل او نیست (بند ۵ ماده ۷۹)، با این همه طبق بند ۱ ماده ۴۵ می تواند در حالت تقصیر بایع و عدم امکان استناد به ماده ۷۹ نیز اعمال گردد. همچنین گفته شده است که این روش حتی در صورت اعمال حق بایع در استفاده از مهلت اضافی هم قابل استفاده است. به علاوه میزان عدم انطباق کالای تسلیم شده با مفاد قرارداد نیز تاثیری در اعمال این روش ندارد. [۱۳]

## ۳-۱-۵. بازفروش کالا

در کنوانسیون مطابق بند ۱ ماده ۸۸، چنانچه طرف دیگر در تصرف کالا یا پس گرفتن آن یا در پرداخت ثمن یا هزینه های حفظ کالا به نحو غیرمتعارفی تأخیر ورزد، طرفی که طبق مواد ۸۵ یا ۸۶ موظف به حفظ کالا است می تواند آن را به طریق مقتضی به شرط اخطار متعارف مبنی بر قصد فروش، به شخص ثالثی بفروشد و طبق بند ۳ این ماده، وی می تواند از محل فروش، به شخص ثالثی بفروشد و هزینه های متعارف نگهداری کالا را برداشت نماید. این روش می تواند روشی برای جبران خسارت تلقی گردد. طرف نگهدارنده برای این امر به نفع دیگری هزینه کرده اما وی از پرداخت آن خودداری کرده است و این محروم ماندن طرف نگهدارنده از مال خود

# International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



نوعی ضرر است که می‌تواند حتی ناشی از نقض تعهد ضمنی قراردادی از سوی مالک کالا تلقی گردد (مواد ۸۵ و ۸۶). برخی از مفسران این بازنشانی را مبتنی بر نظریه نمایندگی دانسته و بر این عقیده اند که طرف ذی حق در واقع به نمایندگی از طرف مالک کالا که تخلف کرده است، کالا را مجدداً می‌فروشد، این نمایندگی به طور ضمنی از ماده ۸۸ کنوانسیون استنباط شده است. این ماده، هر دو حالت انتقال و عدم انتقال مالکیت کالا به مشتری را در بر می‌گیرد، زیرا حق بازنشانی برای فروشنده بدون شرطیت انحلال قرارداد، پیش‌بینی شده است. [۱۴]

۲-۵. روش‌های غیرپولی جبران خسارت

گرچه جبران پولی خسارت به صورت یک اصل الزام‌آور یا ارشادی در بسیاری از سیستم‌های حقوقی و از جمله ایران پذیرفته شده است، اما طرق غیرپولی (یعنی) جبران خسارت نیز می‌تواند در مواردی کارگشا بوده و حتی بر طرق پولی ترجیح یابد، از این رو حتی در عرصه تجارت بین الملل نیز این طرق پیش‌بینی شده است. [۱۶]

۱-۲-۵. دادن مثل مال تلف شده

صحبت از دادن مثل مال تلف شده اصولاً در مسئولیت قهری و در خصوص اموال مثلی صورت می‌گیرد و در مسئولیت قراردادی، سخن از پرداخت مثل موضوع تعهد به جای انجام عین آن نامأنوس است. به طور کلی موضوع تعهد قراردادی یکی از امور زیر است: ۱- دادن مال معین ۲- پرداخت مال کلی فی الذمه ۳- انجام کار معین قائم به شخص متعهد ۴- انجام کار معین غیرقائم به شخص متعهد ۵- عدم انجام کاری معین. در شق اول، و در صورت عدم انجام تعهد از سوی متعهد، عدم امکان الزام وی به آن، مستند بودن این عدم امکان به او و مثلی بودن موضوع تعهد، می‌توان وی را ملزم به پرداخت مثل کرد و این امر شاید در اعاده وضع سابق متضرر بهتر به کار آید. در شق دوم، پرداخت مثل مفهومی ندارد چون موضوع تعهد عین معین نیست تا مثلش موضوعیت پیدا کند، بلکه پرداخت فردی از افراد کلی همیشه به عنوان انجام عین تعهد محسوب می‌گردد نه جبران خسارت و فقط در صورتی که خود متعهدله یا شخص ثالث به هزینه متعهد ناقض تعهد، اقدام به انجام تعهد نمایند، متعهد، ملزم به پرداخت هزینه آن اعم از قیمت کالا و سایر هزینه‌ها خواهد بود که نوعی جبران خسارت است. در شقوق دیگر هم روشن است که پرداخت مثل موضوع تعهد موضوعیت ندارد. [۸] در کنوانسیون طبق بند ۲ ماده ۴۶، پرداخت مثل کالا به عنوان جبران خسارت ناشی از عدم انجام تعهد به تسلیم کالای عین معین (بند ب ماده ۳۱) تلقی می‌گردد، زیرا عدم انطباق کالا می‌تواند علاوه بر وصف، نسبت به نوع و جنس نیز واقع شود و عدم تسلیم کالای معین هم شامل عدم تسلیم هیچ کالایی و هم تسلیم کالایی غیر از آن است. [۱۰]

۲-۲-۵. تعمیر کالا

طبق بند ۳ ماده ۴۶ کنوانسیون مشتری می‌تواند از باع بخواهد که عدم انطباق کالای تسلیم شده را با تعمیر آن جبران نماید (چرا که کالای معیوب تسلیم شده است)، مگر این که چنین تقاضایی با توجه به اوضاع و احوال، غیر معقول بوده یا بند ۳ ماده ۳۵ مصداق داشته باشد. درخواست تعمیر کالا حتی وقتی مورد معامله کلی فی الذمه است را می‌توان نوعی جبران خسارت تلقی کرد زیرا با این درخواست، مشتری به طور ضمنی کالا را قبول و تملک کرده و حال تعمیر مال خود را می‌خواهد. [۱۰]

در حقوق ایران اگر کالای تسلیم شده عین معین باشد و معیوب درآید طبق ماده ۴۲۲ ق.م. مشتری مخیر بین فسخ و اخذ ارجش است. از آنجا که حقوق مشتری در این فرض به صورت حصری معین شده نمی‌توان با استناد به ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی و ملاک ماده ۴۷۸ و ۴۸۱ ق.م. به مشتری اجازه درخواست تعمیر کالا از باع را داد زیرا دو ماده اخیر خاص اجاره اند. مگر آن که گفته شود، تعمیر کالا در واقع تلاشی در راستای انجام عین تعهد است که در این صورت مشتری، حق درخواست آن را طبق ملاک ماده ۲۳۷ ق.م. خواهد داشت. اما به هر حال در صورت تراضی طرفین، حکم به تعمیر بی اشکال به نظر می‌رسد (ماده ۱۰ ق.م. و اصل تفسیری بودن مواد مربوط به معاملات). اگر کالای موضوع معامله کلی فی الذمه باشد در بدو امر به نظر می‌آید با همان استدلالی که در حکم قضیه در کنوانسیون گفتیم بتوان قائل به امکان درخواست تعمیر کالا شد اما با دقت بیشتر معلوم می‌شود که چون مشتری در این حالت با علم به عیب، اقدام به قبول کرده، حق وی ساقط است. (ماده ۴۲۳ و ۴۲۴ ق.م.). [۸]

۳-۲-۵. عذر خواهی و درج حکم در جراید

چون این شیوه جبران خسارت خاص خسارات معنوی است و کنوانسیون این گونه خسارات را نپذیرفته است بحث از آن موضوعیت ندارد. اما در حقوق ایران اگر خسارت معنوی وارد آمده باشد با استفاده از ملاک مواد ۳ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی قاضی می‌تواند برای جبران آن حکم به عذرخواهی و درج حکم در جراید دهد گرچه در مسئولیت قراردادی، خسارت معنوی ناشی از نقض تعهد کمتر پیش می‌آید. در حقوق فرانسه اولاً،

# International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



طبق تفسیر رویه قضایی مواد ۱۱۵۵-۱۱۴۶ قانون مدنی که خاص مسئولیت قراردادی و جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد است، خسارت معنوی نیز قابل مطالبه است. ثانیاً، بر اساس آنچه در مبحث اول از فصل دوم این بخش آمد رویه قضایی قاضی را در انتخاب شیوه جبران خسارت آزاد می‌داند مادام که شیوه مزبور با هدف مسئولیت مدنی منافات نداشته باشد، لذا در خسارات معنوی قاضی می‌تواند حکم به عذرخواهی و درج حکم در جراید را نیز صادر کند. [۱۲]

۴-۲-۵. الزام به انجام عین تعهد

در نگاه اول، این که انجام عین تعهد شیوه جبران خسارت ناشی از عدم انجام تعهد باشد متناقض به نظر می‌آید زیرا در سیستم‌های حقوقی نظیر ایران و فرانسه اساساً پرداخت خسارت ناشی از عدم انجام تعهد وقتی مطرح می‌شود که امکان انجام عین تعهد به هیچ وجه امکان نداشته باشد حال چگونه یک امر غیرممکن می‌تواند شیوه جبران خسارت تلقی شود و اگر انجام عین تعهد ممکن باشد دیگر جبران خسارت ناشی از عدم انجام آن موضوعیت ندارد. [۳]

۵-۲-۵. فسخ قرارداد

فسخ قرارداد به عنوان یک روش جبران خسارت استثناست. هدف تدوین کنندگان کنوانسیون این است که حد امکان قرارداد حفظ شود و از فسخ آن جلوگیری گردد هر چند این اصل به صراحت در کنوانسیون بیان نشده است ولی می‌توان آن را به ویژه از مواد راجع به حق رفع نقص فروشنده در صورت عدم مطابقت کالا (ماده ۴۸ کنوانسیون) و اینکه موارد فسخ قرارداد در وهله اول به نقض اساسی قرارداد محدود شده است استنباط نمود. در موارد فسخ قرارداد طبق ماده ۴۹ کنوانسیون: الف) وقتی که عدم ایفای تعهد فروشنده نقض اساسی قرارداد تلقی شود ماده الف (۱) ۴۹ کنوانسیون ب) در مورد عدم تسلیم مبیع، مشتری یک مهلت اضافی به فروشنده بدهد (ماده (۱) ۴۷ کنوانسیون) و او در آن مهلت کالا را تسلیم وی نکند یا اعلام نماید ظرف مهلت مقرر آن را تسلیم نخواهد کرد (ماده ب ۴۹ کنوانسیون). [۱۰] برخی مصادیق نقض اساسی:

۱ - عدم تسلیم مبیع یا تأخیر در آن ۲ - امتناع از انجام تعهد ۳ - غیر ممکن شدن تسلیم مبیع ۴ - تسلیم کالای غیر منطبق (از لحاظ مادی و معنوی) بار اثبات نقض اساسی بر عهده مشتری است. سایر موارد مانند تعهد به گرفتن ضمانتنامه با کسی.

شرایط تحقق حق فسخ در مورد اعطای مهلت [۸]: ۱ - مبیع تسلیم مشتری نشده باشد. ۲ - مشتری مطابق بند ۱ ماده ۴۷ یک مهلت اضافی برای تسلیم مبیع به فروشنده بدهد. ۳ - فروشنده در آن مهلت مبیع را تسلیم مشتری نکند یا اعلام کند قصد تسلیم مبیع ندارد. بند ب ماده ۴۹ کنوانسیون: در موردی که تسلیم کالا از طریق تسلیم اسناد و مدارک صورت می‌گیرد: [۱۵]

در کنوانسیون همانطور که گفته شد بر خلاف ظاهر ماده ۷۴ و نظر برخی مفسرین، روش جبران خسارت از نظر این کنوانسیون منحصر در روش پولی نیست و قاضی می‌تواند از باب انتخاب انطباق بر اساس اصول کلی و روح کنوانسیون (ماده ۷) و با رجوع به یک حقوق داخلی صالح، این روش را در فرض فوق برگزیند. در حقوق ایران نیز با توجه به آنچه در جای خود گفته شد منعی در این خصوص وجود ندارد. در حقوق فرانسه هم با توجه به آنچه در محل خود آمد منعی در این مورد وجود ندارد. [۱۷]

## ۶. نتیجه

در صورت نقض قرارداد از سوی هر یک از طرفین (عدم انجام تعهدات) طرف دیگر موظف به جبران است که این جبران از طریق ضمانت اجرای قراردادی و قوانین موجود صورت می‌پذیرد. اصول تجاری بین المللی و کنوانسیون در حیطه جبران خسارت تقریباً یکسان عمل کرده اند و دلیل اندکی تفاوت را می‌توان در وسعت دامنه شمول یافت. ضمانت اجرای نقض تعهدات را می‌توان به دو نوع کلی تقسیم کرد: ضمانت اجرای نقض کلی تعهدات که متضرر می‌تواند قرارداد را فسخ و همچنین خسارت خود را مزالیه نماید و نوع دیگر نقض جزئی قرارداد است که به وسیله طرق مختلف پولی و غیر پولی جبران می‌گردد. [۱۸]

بر اساس آنچه گفته شد ممکن است در حال حاضر یا در آینده شیوه‌های دیگری برای جبران خسارت وجود داشته باشد که بتواند به نحو مطلوبی خسارات وارد شده را به طور کامل جبران کند. اعمال این طرق از نظر اصول تجاری بین المللی، کنوانسیون بیع و حقوق ایران اصولاً منعی ندارد و می‌تواند به صورت تنها و یا همراه سایر طرق اتخاذ گردد، مگر این که با برخی قواعد آمره حقوق داخلی مغایرت داشته باشد. روند تکاملی جامعه انسانی مستلزم این است که در صورت مقتضی شیوه‌های جدید جبران خسارت متناسب با تحولات پیش آمده اتخاذ گردد و حقوق که بسترسازی برای تکامل و



# International Conference on "the Third Millennium and Humanities"

May 11, 2016

کنفرانس بین المللی هزاره سوم و علوم انسانی



پیشرفت جامعه بشری را به عنوان یکی از اهداف خود پیوسته مدنظر دارد. اصولاً نه تنها با این شیوه‌ها مخالفتی نخواهد کرد بلکه مؤید آنها نیز خواهد بود.

## مراجع

۱. امیری قائم مقامی، ع، (۱۳۵۳)، "حقوق تعهدات"، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، تهران.
۲. امامی، ح، (۱۳۸۰)، "حقوق مدنی"، انتشارات اسلامی، جلد اول، تهران.
۳. صفایی، ح، (۱۳۸۱)، "حقوق مدنی «تعهدات و قراردادهای»"، نشر میزان، جلد دوم، تهران.
۴. صدری، ا، (۱۳۸۶)، "مسئولیت ناشی از عدم اجرای قرارداد در حقوق ایران"، پایان‌نامه دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۵. شعاریان ستاری، ا، قربان زاده، م، (۱۳۹۱)، "مبانی حقوقی و فقهی اجرای پیش از موعد قرارداد با مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی"، مجله دانش حقوق مدنی، تابستان ۱۳۹۲. سال دوم، شماره ۱.
۶. شهیدی، م، (۱۳۷۰)، "اسقوط تعهدات"، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، جلد اول، تهران.
۷. اخلاقی، ب، امام، ف، (۱۳۹۳)، "اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی"، ترجمه، ناشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۸. صفایی، ح، همکاران، (۱۳۹۰)، "حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی"، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
۹. نوری، م، (۱۳۷۸)، "اصول تجاری بین‌المللی"، نشر گنج دانش، ترجمه، چاپ اول، تهران.
۱۰. داراب پور، م، (۱۳۷۴)، "تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی"، گنج دانش، ترجمه، جلد ۲ و ۳، تهران.
۱۱. رنجبر، م، (۱۳۹۱)، "تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد"، نشر میزان، جلد اول، چاپ دوم، تهران.
۱۲. کاتوزیان، ن، (۱۳۸۷)، "قواعد عمومی قراردادهای"، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، جلد چهارم، تهران.
13. J. Huet, (1996), 'Les Principaux Contrats Spéciaux', N. 11752-3, p. 555, L.G.D.J..
۱۴. صفایی، ح، (۱۳۷۵)، "حقوق مدنی و حقوق تطبیقی"، (مجموعه مقالات)، نشر میزان، جلد اول، تهران.
۱۵. قاسمی، م، "جبران خسارت نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، مجله حقوقی، شماره ۳۲، تهران.
16. R. Savatier, (1951), *Traité de la Responsabilité Civile en Droit Français*, T.II, N.597, 2e éd Paris.
17. M. et Reynaud, (1988), *Droit Civil, Les Obligations*, N. 511, Sirey.
18. W. et Terré, (2003), *Droit Civil, Les Obligations*, N. 429, 2e éd., Dalloz, 198.